

جلسه دوازدهم ۳۰ ژانر

سره مطالب قبل :-

جلسه قبل وارد مباحث اعتقاد دلال شدیم

النوی حضور در آمد و تولید در مطالب ، النوی که جنبش بیرونی کردیم -

در این النوی که جنبشی

که نازک مالی ولدند ، که دولت ولدند ، و قنع اعتقاد بعبه نازک نازک

ما به روایتی رسیدیم که روابط را به مکتب نمودند مجدداً توضیح می دهیم -

خارج کل = تولید ملی = درآمدهای = هزینه کل

این ولزها، معادل هم هستند.

خارج کل، در هر دوره هر چه جلوتر می رفته تمام کامل تر می شود.

در کامل ترین فرم ممکن: خارج کل برابر است با: خالص صادرات

خارج معیشتی + خارج سرمایه داری + خارج دولتی + صادرات - واردات

←
خالص صادرات = صادرات - واردات = تولید بازرگانی یا تولید تجاری

صادرات < واردات
این اختلاف سه حالت می یابد:
مازاد تولید تجاری یا مازاد تولید بازرگانی > صادرات = واردات
تولید بازرگانی بر قدر است = صادرات = واردات

صادرات - واردات
کری تولید بازرگانی < صادرات = واردات
صادرات > واردات

علت کمبود واردات اینست که تولید ملی را حساب کنیم. به همین دلیل

بنابراین کالاهای وارداتی نه خانوادگی، بلکه با خارجیان می‌خرند و انتفاع را در تولید ملی حساب کنیم. به همین دلیل وارداتی‌ها را باید حذف کنیم.

فرمول: اصدای درآمد ملی

$\text{درآمد ملی} = \text{مخارج معمری} + \text{سپین اندلر} + \text{خالقین مالیات}$

صعب است امروزه تقابل و عدم تقابل (در بازار کالا و خدمات داریم برداشتی می‌کنیم)

برای این تعریف، ابتدا باید ۲ مورد را بگوئیم:

① عرضه ای می‌کند ② تقاضای ای می‌کند

عرضه ای می‌کند (به نوعی عرضه ملی محسوب می‌شود)

عبارت است از لذت‌بخش کالا و خدمات نهایی تولید شده در اقتصاد ملی در طول یک سال

(همان مفهوم تولید ملی را دارد)

تقاضای ای می‌کند: مجموع لذت‌بخش برابری مخارج بزرگ‌ترین کرده در یک اقتصاد ملی در

طول یک سال است

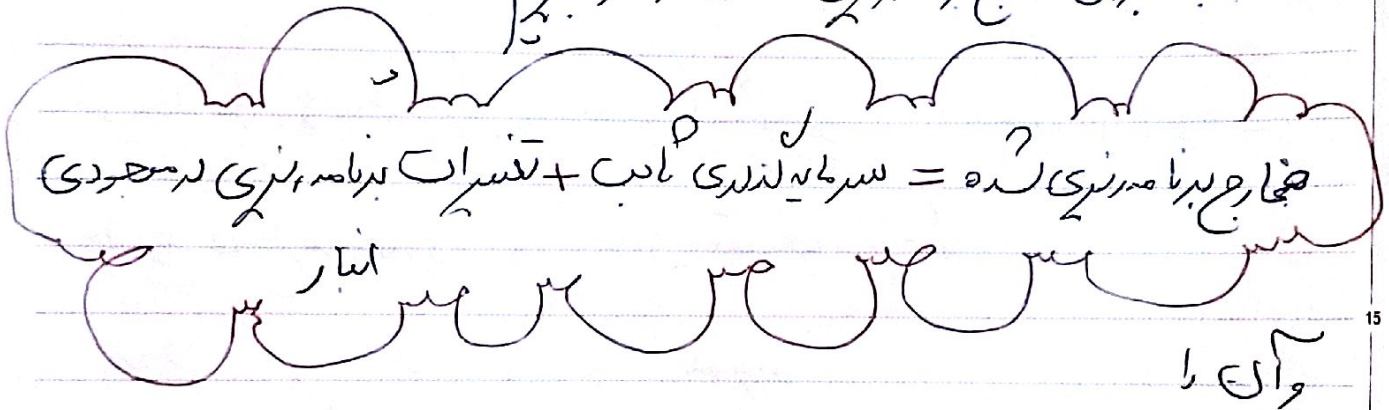
که برنامه ریزی شده در اینجا بسیار مهم است.

فقط گفتیم که خارج برنامه ریزی شده و برنامه ریزی شده داریم. که حالت

برنامه ریزی شده را در تقسیمات نامطلوب در موجودی ایتبار قرار داریم.

انچه اجزای خارج برنامه ریزی شده را در نظر بگیریم:

خارج برنامه ریزی شده = سرمایه گذاری ثابت + تقسیمات برنامه ریزی در موجودی



و آن را

با اجزای دیگر خارج جمع کنیم تقاضای اسمی کل بدست می آید.

صافرات - واردات

تقاضای اسمی کل = جمع خارج برنامه ریزی شده

خارج برنامه ریزی شده = خارج معترض + خارج سرمایه گذاری + خارج تولی + خالص صادرات

همان خارج کل است فقط برنامه ریزی شده.

صادرات - واردات

$$\text{خراج کل} = \text{خراج معمری} + \text{خراج دولتی} + \text{خراج سرمایه گذاری} + \text{خالص صادرات} = \text{تقاضای اسمی کل}$$

برنامه ریزی شده
برنامه ریزی شده
برنامه ریزی شده
صادرات

که در فرمول خراج کل قبلی، خراج بدون برنامه را که همان تقصیرات نامطلوب

در معدودی ابار است. (به افراط نامطلوب و به کاهش نامطلوب)

این را از دل رابعه خراج سرمایه گذاری یکم بیرون ، نتیجه اش می شود

مجموع خراج برنامه ریزی شده که همان تقاضای اسمی کل است.

$$\text{خراج سرمایه گذاری} = \text{خراج سرمایه گذاری} + \text{خراج سرمایه گذاری}$$

برنامه ریزی شده
برنامه ریزی شده

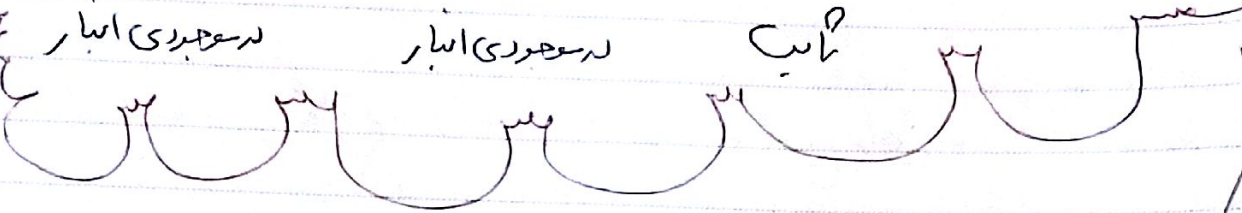
که در صورت برنامه ریزی شده را از دل خراج بیرون یکم ،

$$\text{خراج کل} = \text{خراج معمری} + \text{خراج دولتی} + \text{خراج سرمایه گذاری} + \text{خالص صادرات}$$

تولدی
تولدی

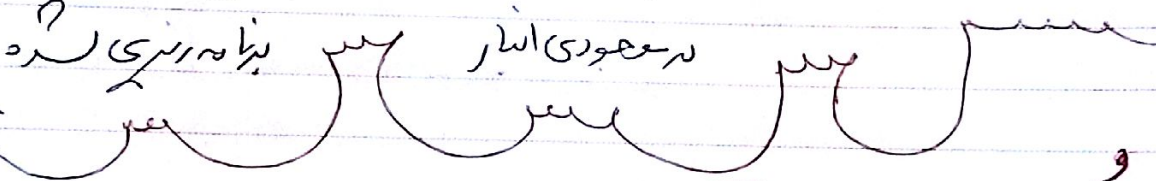
که این را قبلاً گفتیم

$$\text{تقسیمات نامطلوب} + \text{تقسیمات مطلوب} + \text{سرمایه گذاری} = \text{خارج سرمایه گذاری}$$

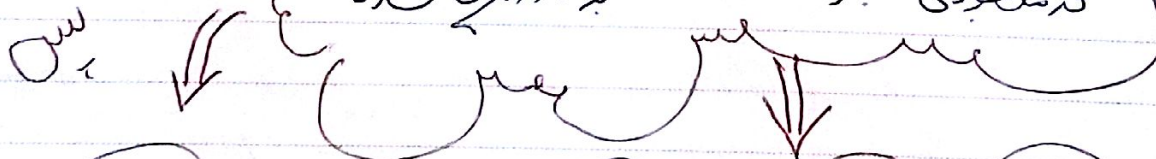


این را در تقویمی سرمایه از طرفی

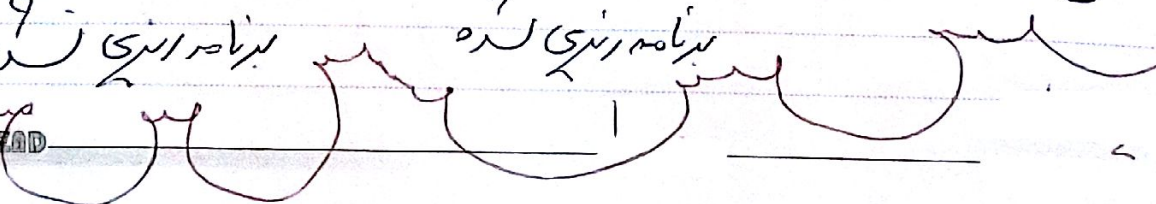
$$\text{سرمایه گذاری مثبت} + \text{تقسیمات مطلوب} = \text{خارج سرمایه گذاری}$$



$$\text{تقسیمات نامطلوب} = \text{خارج سرمایه گذاری} - \text{بیمانه ریزی زنده}$$



$$\text{خارج سرمایه گذاری} = \text{خارج سرمایه گذاری} + \text{بیمانه ریزی زنده}$$



در حقیقت خارج کل برنامه ریزی شده، تقسیمات نامطلوب در موجودی انبار را نشان می دهد.

دو آگهی که

خارج کل برنامه ریزی شده در حقیقت همان برنامه خریداران است.

که روی خرید، صلا کالای دیگری، سرمایه گذاری، تولی و یا خارج کردن

خریداری می شود.

این تقاضای انبار کل = برنامه خریداران
عرضه انبار کل = برنامه تولید کنندگان

اگر برنامه خریداران و برنامه تولید کنندگان با هم، همخوانی داشته باشند و عبارت

دیگر عرضه کل = تقاضای کل، به اصطلاح می گوئیم که در بازار کالا و خدمات

توازن وجود ندارد.

یعنی

بیمبارت داریم

تقسیمات نامطلوب در موجودی

انبار نداریم

خارج برنامه ریزی شده برابر صفر می باشد.

موجودی انبار بصورت ناخواسته کم یا زیاد شده و هر تقسیری که کرده بصورت برنامه ریزی شده

و مطابق میل تقاضاها بوده است.

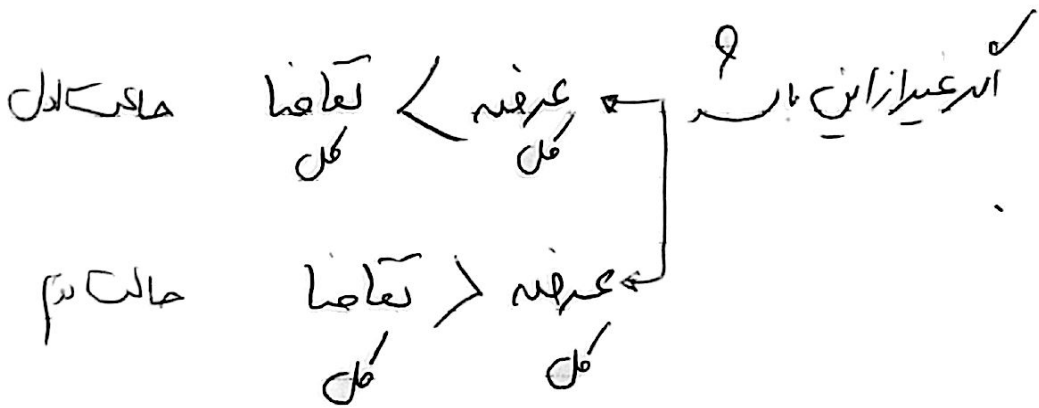
ب عبارت دیگر

همه آنچه که بفاهما تولید کرده اند، خریداران مطالب برنامه خرید دارند - و

بصورت ناخواسته، معدودی ابزار را افزایش یافته و نه کاهش <

فناوری برنامه ریزی = تقسیم کار مطلوب = صرفه =
شده در معدودی ابزار

عرفه کل = تقاضای کل

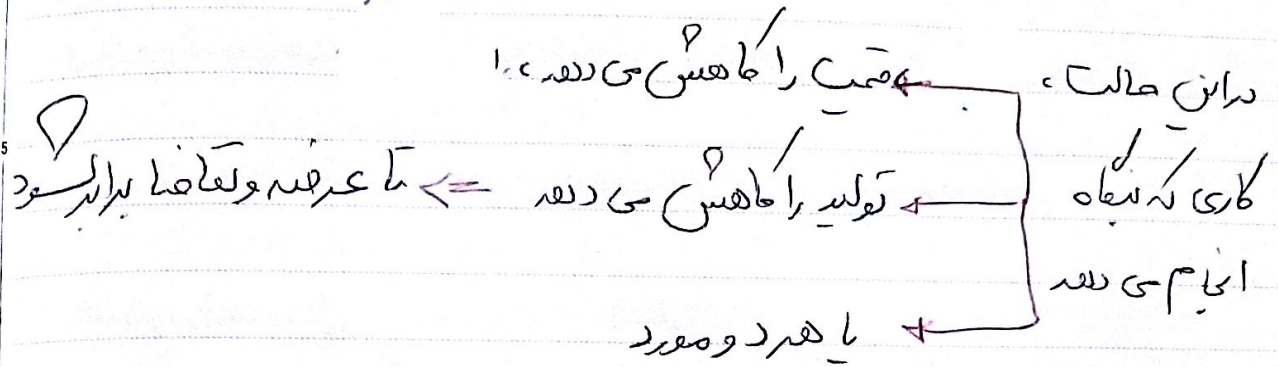


حالت اول) عرفه کل < تقاضای کل

یعنی آنچه که تولید کرده، بیش از برنامه خریداران است. (برنامه تولید کنندگان

از برنامه خریداران جلوتر است) طبیعی است که یعنی از این تولید بصورت ناخواسته

وارد انباری نمود و انبارش ناخواست. موجودی انبار را داریم.



حالت نرم : عرفه کل > تقاضای کل

برنامه خرید برال پس از برنامه تولید کنندگان باقی می ماند، یعنی که اطلاعاتی که

تولید کنندگان در انبارها نشان می دهند، خرید برال برخلاف برنامه تولید کنندگان،

خریداری می کنند. یعنی گاهس ناخواست. موجودی انبار داریم.

و این گاهس ناخواست منجر به افزایش قیمت کالا و خریداران

افزایش تولید

افزایش هر دو

خریداران، برنامه ریزی کرده می خرید و موجودی انبار، برنامه ریزی کرده، گاهس می یابند

سؤال کتاب صفحه ۲۲ مطالب بود. یاد تفرقه بین سؤال مطالب و مطالب و مطالب

در حالت سؤال زده: ۱ حالتی که الگوی ۲۲ یعنی است.

۲ حالتی که الگوی ۲۲ یعنی است.

بیشتر تولید کنندگان، به طریق نایب جدول انجام شده است.

بیشتر خریداران، به این شکل می سود (جدول دوم)

کنند و در ادیو، کالای معرفی هستند.

همان اندازه ای که تولید کرده، معرفی کنند همان خریداری کردند

در این حالت (چون الگو ۲ یعنی است)

چون الگو

۲ یعنی است

فقط ۲ بندگی

خارج سرمایه گذاری = خارج معرفی + خارج سرمایه گذاری
بیشتر معرفی کرده

خارج سرمایه گذاری + سرمایه گذاری
بیشتر معرفی کرده

۳۰ + ۳۰ = ۶۰
خارج ادیو
خارج کنتم

۰ + ۶۰ = ۶۰ → ۶۰ + ۶۰ = ۱۰۰

در نامه تولید کننده = برنامه خریداران

هر قدر که تولید کند و هر قدر خریداری کند و با شاهد موجودی ناخالص

در انبار هستیم

اصطلاحات در کتاب نامه تقدیر کرده اند

حال سال صفحه ۲۵ را ببینید و در این کتاب مطالب را انامه می دهیم

برنامه خریداران > برنامه تولید کننده

کتاب افزایش ناخالص در موجودی انبار داریم. به اسم
کل مخارج سرمایه گذاری برنامه برتری شده در موجودی انبار

همیشه جمع عرضه کل با مخارج کل برابر است. (در حالت تعادل)

ولی عرضه اسمی کل با تقاضای اسمی کل برابر نیست (در سال) (در حالت عدم تعادل)

$۲۵ + ۳۰ = ۵۵$ ← مخارج مصرفی
 از ۳۰ را بوی، ۳۰ تا مصرف کرده
 از ۲۵ تا مصرف کرده

خارج
 از ماسین ، ۳۵ تا خریداری کرده

$$\text{برنامه‌اندازی} = \text{برنامه‌اندازی} + \text{موجودی انبار}$$

$$35 = 0 + 35$$

خارج سربازاننداری بدون برنامه در موجودی انبار: (معبر نامفهومه وارد انبارند)

لذا فرضه شده

$$10 = 5 + 5$$

 ماسین فروش نرفته

همیشه عرضه کل با خارج کل برابر است -
 چون خارج کل = خارج برنامه + خارج بدون برنامه
 این قانون، صرف تعداد این است که در مقابل برنامه ما داریم -
 ولی در مقابل است که خارج با برنامه با عرضه ای کل برابر شود -
 در مقابل، به خاطر برابر تقسیم برنامه اندازی در انبار، ضرر باید باشد -

کتاب

در تقابل ← عرضه ای کل = تقاضای ای کل

تقسیمات ناخواسته یا نامطلوب در موجودی انبار = صفر

سرمایه گذاری در نامه گذاری شده = صفر

همواره می توان گفت که عرضه کل = تقاضای کل

رنگی به تقابل یا عدم تقابل ندارد.

اگر (تقاضای عرضه) ← افزایش ناخواسته در موجودی انبار را دلالت می دهد

در حال این اتفاق → یا قیمت انبساط کاهش می دهد

تا تقابلی بر سر
بیاید

یا تولید را متوقف می کند

یا هدر ۲

اگر (عرضه تقاضا) ← کاهش ناخواسته در موجودی انبار را

در این حالت

تولید کننده تولید را افزایش می دهد

تا تقابلی برقرار

شود

یا قیمت را افزایش می دهد

یا هدر ۲

Subject:

Year Month Day

page: (۲۱۵)

سؤال: در زمانى خارج كل از تولد ملي بدست مى آید

پاسخ: هیچ موقع. همیشه خارج كل با تولد ملي برابر است.

این یک اتحاد است.

ولی خارج برنامه ریزی شده در تقابل با تولد ملي، مساویست که این

مستلزم آن است که خارج برنامه ریزی شده منفی باشد.

در وقت کنی که قمار سال های کتاب ۲ که برنامه ریزی شده را

افزافه کنی و کمره سال ها امیراد دارند

در سال های که الان گفتیم، الگوی ۲، یعنی بوده است

در مدل ما، خارج كل ۲ لازم نیست پس می شود اگر در قسمت

سرمایه گذاری، فقط برنامه ریزی شده برای اجزای ۲، فقط

خارج كل برنامه ریزی شده خواهد بود.

تفاوتی است = خارج كل برنامه ریزی شده

در این فرمول ، مخارج سرمایه گذاری شده بدون برنامه اخراج کرده ام
و فقط مخارج سرمایه گذاری برنامه ریزی شده است .

در این فرمول با عرفه کل ساوی باشد ، یعنی

تفاضل ای امی کل = عرفه ای امی کل

این به معنی آن است که تقسیرات نامطلوب یا ناخواسته در معادله ای بار

صفت دارد .

کتاب ۲ ولده تدریقات و تبادلات را مطرح کرده است که همین مفهوم

نیست و از آن عبوری کنیم (مثال صفحه ۲۸)

هدف تقلید این ۲ ولده ، به معنای جدید نگاه کنید و فرمولی که می توان از

آن استفاده کرد (صفحه ۲۹)

مخارج صافی + مخارج سرمایه گذاری + خالص صادرات = تولید ملی

Subject:

Year Month Day

page: (۲۱۶)

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷

الذکر در توله یلی، خیارچ بدین در نامه با انفسراک تا مخلوط در سهروردی انبارت سفر

همان، تقاضای ایسی کل نسیز هست.

از طرفی توله یلی = در نامه یلی.

که این فرجه ها را در مثال صفحه ۲۸ می توان دید.

فصل اول تمام شده تمدن های آخر فصل را حل کنید.

فصل دوم را شروع می کنیم.

حالی برای یلی

حیزی که در فصل قبیل انتم، الذر بودند. که از یک تا ۱۱ یعنی را سائل می کند.

وقتی حذف از الذری زینم، یعنی مالک، نمی توانیم همه چیزهای واقعات

اصطلاحی را در الذری بیابیم.

سخته به هندی که از سافت الذری هم، این الذری تواند کرد یا بعینه زبان

(هر چی به ولعتت نزدیک تری شویم)

در بعینه ترین الذری هم میان با الذری و ما رو هم و هم واقعات انسان

عنی دهیم
Arman

در این فصل می خواهیم با یک سری روابط واقعی آشنا شویم که هزینه های تولید دارند

دارند

در فصل قبیل گفتیم که تولید ملی = درآمد ملی

خود این تولید، یا درآمد، می تواند پس وندهای مقدری داشته باشد.

یکی از این پس وندها، ناخالص یا خالص است.

برای تولید می توانیم تولید ناخالص یا تولید خالص را بگیریم. در حالی که در فصل

تولید خالص

قبیل، این ۲ را محاد در نظر گرفتیم.

Gross National Product (GNP) تولید ناخالص ملی

Net National Production (NNP) تولید خالص ملی

تفاوت این ۲ در خالص و ناخالص است و هر ۲ تولید ملی هستند.

تفاوت تولید خالص و ناخالص، در استهلاک است.

تولید ناخالص ملی - استهلاک = تولید خالص ملی

$$NNP = Depreciation - GNP$$

نهایی

اگر ارزش کل کالاها و خدمات تولیدی را در اقتصاد ملی حساب کنیم

می رسم به GNP

ولی در عدد نهایی که داریم تولید می کنیم، بسیاری کالاها را به قبلاً استناد می کردیم
مستهلک می شوند ما باید ارزش استهلاک را از این کالاها را کم کنیم

التهاب این نخواهیم پس به آنکه بجز خالق، به تولید ملی ما حقیقتاً اضافه شده است

برای مثال

فرض می کنیم که $GNP = 1000$

ولی در عدد نهایی که این واحد قرار است تولید شود، ما استهلاک

داشتیم (D=100) استهلاک تجهیزات و ماشین آلاتی که

این واحد را در تولید خلق می کنند داریم.

پس این خواهد بود پس به بجز خالق حقیقتاً به تولید ما اضافه می شود ما به استهلاک

ماشین آلات را کم کنیم.

$$GNP - D = NNP$$

$$1000 - 100 = 900$$



Arman

به دنبال کلمه تولید یا داره که خالص و ناخالص را داریم ، تولید دوم

کلمه داخلی و ملی نیز داریم . یعنی تولید داخلی و تولید ملی

فرد تولید داخلی و تولید ملی چیست ؟

تولید ملی Gross National Production (GNP)

تولید داخلی Gross Domestic Product (GDP)

فرد ۲ ناخالص است

تفاوت این ۲ با در این است که :

تولید داخلی (GDP) یعنی تولید در محدوده مرزهای جغرافیایی (داخل کشور)

اینترنشنال کالاها و خدمات تولید شده در محدوده مرزهای جغرافیایی را حساب

کنیم (همان تولید داخلی است) سهم بازار جهانی در ایران را نیز داریم خبر

تولید داخلی حساب می کنیم . یعنی اینترنشنال آمده باشند در کشور ما

سرمایه گذاری کرده باشند ، این نیروی کار پس آمده باشد در ایران کار کنند در صورتی

سهمی از تولید است

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷

لذت تولید خارجی است که خودشان یا سرمایه انگار ایران هستند راند

تولید داخلی، حساب کرده ایم.

لذت رفی، تولید ایرانی ها یا خود سبزی کاری که در خارج از کشور هستند

یا سرمایه ایران که خارج از کشور هستند راند تولید داخلی حساب نکرده ایم

به عبارت دیگر:

تولید داخلی یعنی تولید در محدوده مرزهای جغرافیایی کشور

تولید ملی یعنی تولید ملت ایران، صرف نظر از اینکه در کجای جهان

این ایرانی ها زندگی می کنند.

اگر نخواهیم لذت تولید داخلی به تولید ملی برسیم باید یک جمله کم کنیم و یک

عبارت اضافه کنیم. که آن این است:

اگر خواستیم از تولید داخلی برسیم به تولید ملی، باید، نه، که عطل تولید ایرانی

در خارج را اضافه کنیم و نه، که عطل تولید خارجی در ایران را باید کم کنیم

تولید داخلی + درآمدها عوامل تولید از خارج
 - درآمدها عوامل تولید خارجی
 در ایران

تولید داخلی + درآمدها عوامل تولید - درآمدها عوامل تولید = تولید ملی
 از خارج
 خارجی در ایران

درآمد داخلی + درآمدها عوامل تولید - درآمدها عوامل تولید = تولید ملی
 داخلی ایرانی در خارج خارجی در ایران

خالص درآمدها عوامل تولید از خارج

البته درآمدها داخلی (تولید داخلی)، درآمدها عوامل تولید ایرانیان در خارج را اضافه کنیم

و درآمدها عوامل تولید خارجی در ایران را کم کنیم، به تولید ملی می‌رسیم.

یعنی تولید افرادی که تبعه ایران هستند، صرف نظر از آنکه کجا زندگی می‌کنند.

Arman

Subject:

Year Month Day

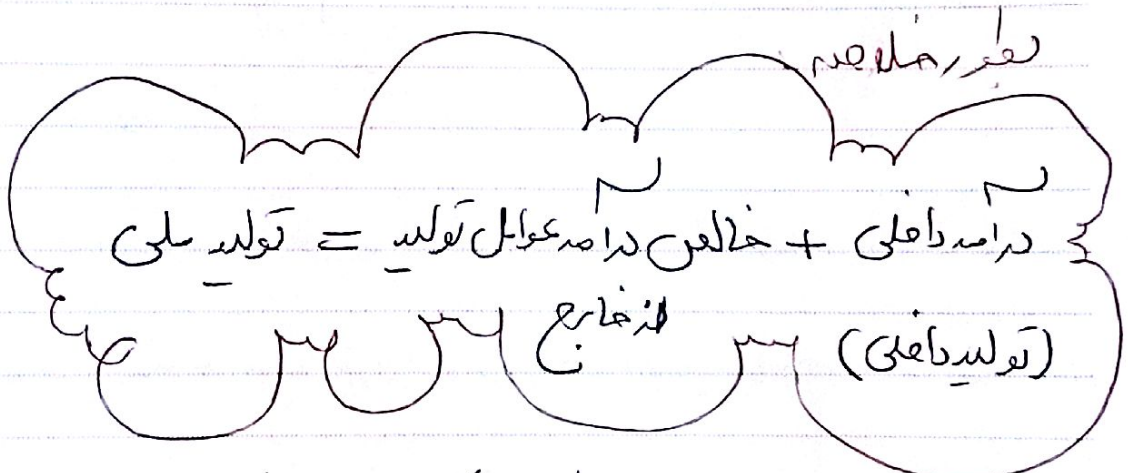
page: (۲۱۹)

وقت کند که تلفیق، سردی کار ایرانی در خارج، لغتیم عوامل تولید

حالا این عوامل می تواند، درامه سرمایه با سرمایه درامه سردی کار باشد.

می تواند سرمایه از کشور خارج باید کشور وارد شود و سهم سرمایه که سود را

بهره هست را در این مرحله، لحاظ کرد مهم.



که ام بی بی است؟ یعنی دلدار که سهم کدام یک بیشتر است؟

خلاصه:

اعتماد خالص و ناخالص و لغتیم و لغتیم نه تفاوت. تولید خالص و تولید

ناخالص در استعداست.

تولید خالص + استعداست = تولید ناخالص

Aman

کدام درسم تفاوت بین درآمد ملی و درآمد داخلی را می‌فهمیم

تولید داخلی ← تولید در کشورهای کشور

تولید ملی ← تولید در سرزمین یا از طریق شرکت‌ها در خارج از سرزمین
صدور تقارن عمل شرکت یا عمل سرمایه ایشان

تولید داخلی + خالص درآمد عوامل تولید = تولید ملی
که خارج

سود بین سپرده به قیمت بازار و به قیمت عوامل

مثلاً می‌توانیم تولید به قیمت بازار یا تولید به قیمت عوامل

تولید خالص ملی به قیمت عوامل یا تولید خالص ملی به قیمت عوامل

یا داخلی را هم می‌توانیم

تفاوت قیمت بازار و قیمت عوامل می‌باشد؟

بیری کالاها هستند تولید می‌شود دولت برای آن مالیات می‌گیرد

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷

لنڈین ان کالا، انٹرنولٹ مالیات بلڈر دی سود، تولڈ بہ قیمت عوامل

یعنی بہ قیمت کہ برای عوامل مختلف تولڈ ایجاد درآمد کردہ است۔

صلہ تک خوردی خاص، لنڈینس بہ قیمت عوامل ۱۰۰ MT است۔

دی عوامل تولڈ، دی این خوردی مالیات وضع می کند، لنڈینس ان

دیہ قیمت بازار دی سود ۱۱۰ MT۔

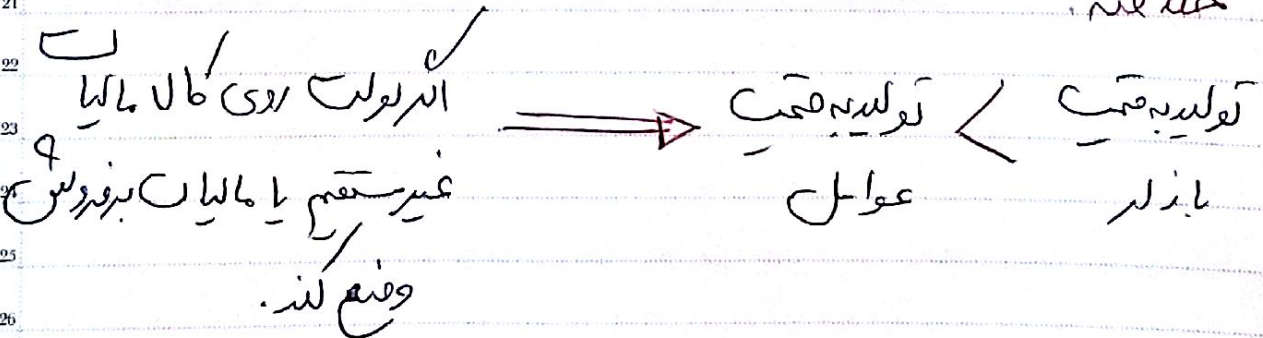
بہ عبارت دیگر

مالیات غیر مستقیم دولت (مالیات بر فروش دولت) باعث می شود

کہ قیمت بازاری کالا لذہ قیمت کہ از عمل درآمد کسب شدہ توسط عوامل تولڈ

ایجاد شدہ (و بہ ان تولڈ بہ قیمت عوامل می گویم) بیسہ سود

خلاصہ



ولی بگیری کالاها مستند نه لزیرین بازرگاری انحصار زین بزرگترین عمل در اونها
نسبت کرده توسط عوامل تولید درست می آید.

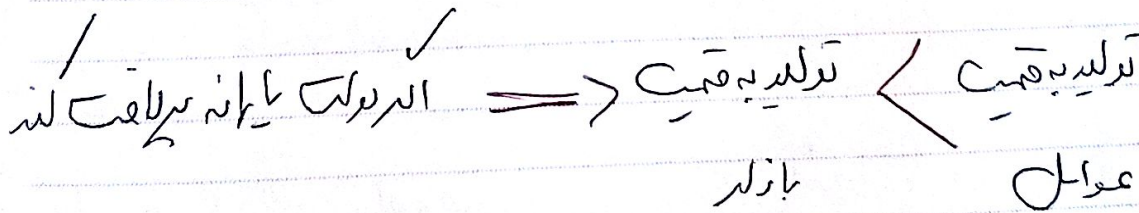
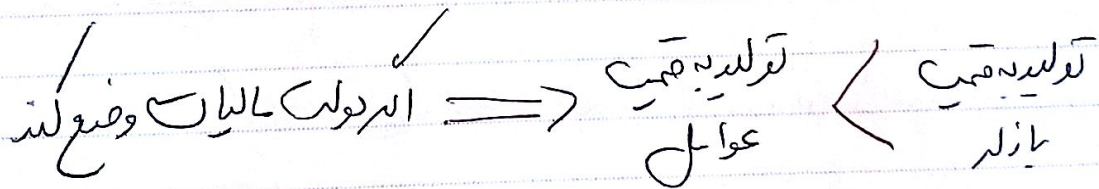
مثال برای این کالاها، کالاهایی است که دولت بیرونی آن بازرانه یا

سولید می رود. مثلاً نان می شود T و P و Q به قیمت عوامل،

می شود T یعنی اگر دولت دخالت نکند، قیمت نان بالاتر برسی آید.

ولی دولت مثلاً $T - P - Q$ بازرانه بیرونی می کند و قیمت بازرگاری کالا، زین

قیمت عوامل می آید.



حال به شکل بازار اگر نخواهیم تولید به قیمت بازار را درست اخرج

Subject:

Year Month Day

page: (۲۶۱)

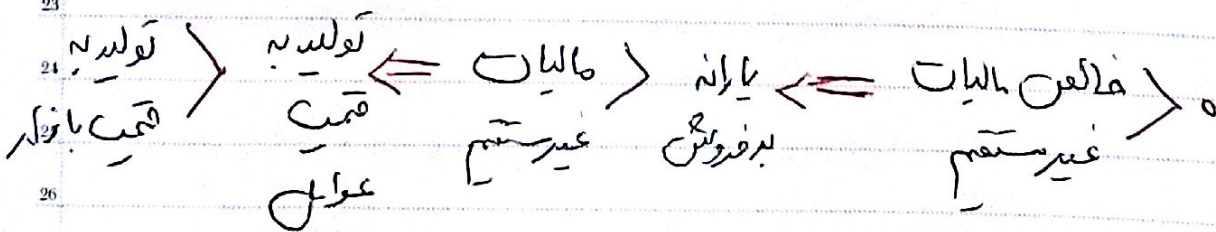
$$\begin{aligned} \text{تولید به قیمت بازار} &= \text{پیداافت} - \text{مالیات غیر مستقیم} + \text{عوامل} \\ &\quad \text{یارانه بر} \\ &\quad \text{فروش} \end{aligned}$$

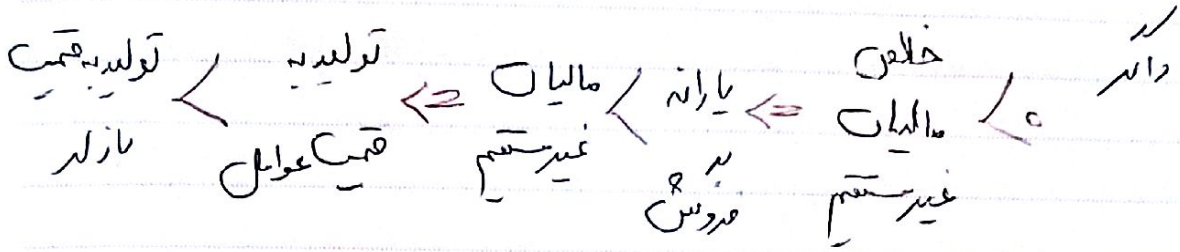
$$\begin{aligned} \text{تولید به قیمت بازار} &= \text{خالص مالیات غیر مستقیم} + \text{عوامل} \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{مالیات غیر مستقیم} - \text{پیداافت یارانه} &= \text{خالص مالیات غیر مستقیم} \\ &\quad \text{بر فروش} \end{aligned}$$

نکته
 خالص مالیات یعنی مالیات پس از کسر یارانه پرداختی می شود
 غیر مستقیم

که باعث می شود، تولید به قیمت بازار از تولید به قیمت عوامل بیشتر شود





در خالص مالیات غیر مستقیم، منفی بود، یعنی دولت، در مقابل آن کالا،
 بازار بیشتری پرداخت می کند تا مالیاتی که می گیرد. در نتیجه، تولید به قیمت
 بازار کمتر از تولید به قیمت عوامل می شود.

خلاصه ۱

تفاوت خالص و ناخالص در اسفند است.

تفاوت بین واقعی و ملی در خالص درآمد عوامل تولید خارج است.

تفاوت بین به قیمت عوامل و به قیمت بازار در خالص مالیات غیر مستقیم است.

حال به مطالعه کتاب می پردازیم.

صفحه ۳۶

عوامل گفته تولید به قیمت های جاری بازار، این تولید به قیمت بازار است.

Arman

۱
 ۲ $\frac{3}{4}$ ریش برای حمام تولید در سطح سال وجود دارد
 ۳
 ۴ صرف تغذیه ای که کاملاً از تولیدها معمم تر هستند
 ۵
 ۶ ریش اول از ریش لغزیده ریش دوم حمام
 ۷
 ۸ ریش سوم در حمام
 ۹

۱۰
 ۱۱ ریش حمام و در حمام در فصل صبح تولید می‌راندیم
 ۱۲
 ۱۳ در همان فرعی که گفتیم در حمام حقیقی نیست می‌اید، همان معمم
 ۱۴
 ۱۵ همان تولید می‌اندازد در حمام است - ریش در حمام
 ۱۶
 ۱۷ گفتیم که در حمام = مجموع در حمام است که در واقع در طول سال
 ۱۸
 ۱۹ شامل: کادمتزد و حقوق و پالاس + اجاره + سود + بهره
 ۲۰
 ۲۱ این چند علم را که با هم جمع کنیم به در حمام می‌رسم
 ۲۲
 ۲۳ در حمام = کادمتزد و حقوق و پالاس + اجاره + سود + بهره
 ۲۴
 ۲۵ در حمام همان تولید می‌است و بی قیمت عوامل
 ۲۶
 ۲۷ یعنی در حمام است که قیمت عوامل مختلف تولید می‌کند

این فرمول را به نظر بگیرید
 (با علامت آبی هم فرمول را بنویسید)
 نسبت حالت غذا را می نویسم

در این محارج اولاً بعد از روز

جمع محارج صغری + محارج سرایه + محارج دولت + خالص صادرات
 = محارج کل

حال محارج را تا سبیل می دهیم. (می شود تولد)

سوال جمع موارد بالا، خالص است یا ناخالص؟

پاسخ: سبیل دارد که می نویسیم. به فرمول وقت کنید.

محارج کل = محارج صغری + محارج سرایه + محارج دولت + خالص صادرات
 = تولد هم هست

سوال اول (این تولد خالص است یا ناخالص؟)

پاسخ: اگر سرایه لذری را در نسبت ناخالص، تولد نیز ناخالص می شود

ولی اگر سرایه لذری را در نسبت خالص، تولد هم خالص می شود.

به عبارت دیگر

در جمع این همه، استعداد ما بین الان محاسب شود، و محارج

که فقط در سرایه لذری است Arman

سرمایه گذاری داخلی \rightarrow تولید داخلی

ولی اگر مخارج سرمایه گذاری داخلی بیشتر باشد و استهلاک را زیاد کنیم،

تولید داخلی \rightarrow خالص

معادلات دیگر: (فرمول اصلی را به نظر بندید، به فرمول دیگری رسم)

تولید خالص = مخارج مصرفی + مخارج سرمایه گذاری + مخارج دولت + خالص صادرات

تولید داخلی خالص = مخارج مصرفی + مخارج سرمایه گذاری + مخارج دولتی + خالص صادرات

حال بررسی کنیم که تولید ملی است یا داخلی؟

تولید داخلی، داخلی است. یعنی مخارجی است که در داخل کشور می آید

و مخارج تولیدی که انجام می شود.

در ادامه آن تولید \rightarrow خالص را در عوامل تولید از مخارج تولید، خالص ملی

می شود ولی چون فقط تولید، فرمول می شود، تولید داخلی داخلی

Arman

Subject:

Year Month Day

page: (۲۴)

همون خالغن در آمد عوامل تولد از خارج، در فرمول قلبی (فرمول خارج قلبی)

و مورد ندارد، سن تولد خالغن داخلی است -

گذر خواستیم، تولد خالغن در آمد طی را محاسب کنیم باید با خالغن و درآمد عوامل

تولد از خارج را، با فرمول اول جمع کنیم - (بله روز نه ۳ حالت)

حاله -

سوال اول، خالغن است یا ناخالغن؟

چون سرمانه گذری را خالغن نوشیم، تولد خالغن است.

سوال دوم - طی است یا داخلی؟

همون خالغن عوامل تولد از خارج در آن است، داخلی است. اگر خواستیم

طی را محاسب کنیم، باید، خالغن عوامل تولد از خارج را با آن جمع کنیم.

سوال سوم، افزون سوال

ایا تولد خالغن داخلی، به قیمت بازار است یا به قیمت عوامل؟

Arman

۱
۲ پاسخ به قیمت بازار است -

۳
۴ رقی می بریم کالای را می خریدیم ، به قیمت بازار می خریدیم -

۵
۶ مثلاً نان را به قیمت بازار می خریدیم نه دولت روی آن یا زانه می دهد و

۷
۸ خود هر را به قیمت بازار می خریدیم نه دولت روغن یا لایب می کشد -

۹
۱۰ پس فحارج معترضی ما به قیمت بازار است و کاری با قیمت عوامل نداریم

۱۱
۱۲ سایر عوامل نیز به همین شکل هستند . و همه این خریدها به قیمت

۱۳
۱۴ بازار است نه به قیمت ایجا رده امه برای عوامل تولید

۱۵
۱۶ اگر خطایم به قیمت عوامل را حساب کنیم :

۱۷
۱۸ تولیدخالص واقعی به قیمت بازار = خالص مالیات غیر مستقیم جاری

۱۹
۲۰ = تولیدخالص ملی به قیمت عوامل



۲۱
۲۲ تولیدخالص ملی = تولیدخالص واقعی - خالص مالیات غیر مستقیم جاری
۲۳ به قیمت عوامل به قیمت بازار



نکته: برای حل مسائل کافی است، اگر $\frac{3}{4}$ باره را بلد باشیم

① فرق داخلی و خارجی \rightarrow استهلاك
 داخلی + استهلاك \rightarrow داخلی
 داخلی - استهلاك \rightarrow داخلی

② فرق داخلی و خارجی \rightarrow داخلی در \rightarrow عوامل تولید از خارج

داخلی \rightarrow + حلقه در \rightarrow عوامل تولید \rightarrow داخلی ، داخلی \rightarrow داخلی - حلقه در \rightarrow عوامل تولید از \rightarrow داخلی
 از خارج از خارج

③ تفاوت قیمت بازار و قیمت عوامل \rightarrow داخلی مالیات غیر مستقیم

قیمت عوامل \rightarrow + داخلی مالیات \rightarrow قیمت بازار \rightarrow داخلی مالیات \rightarrow عوامل غیر مستقیم
 غیر مستقیم غیر مستقیم

سوال (تولید داخلی ملی به قیمت عوامل = ۱۰۰۰)

استهلاك = ۱۰۰

تولید داخلی ملی به قیمت عوامل = ۱۰۰۰

داخلی مالیات غیر مستقیم = ۷۰

الف) تولید داخلی ملی به قیمت عوامل غیر مستقیم

تولید داخلی ملی به قیمت عوامل = تولید داخلی ملی به قیمت عوامل - استهلاك

$Arman \Rightarrow 1000 - 100 = 900$

ب) تولید داخلی داخلی به قیمت عوامل هزینه است؟
تولید داخلی ملی - خالص درآمد عوامل تولید = تولید داخلی داخلی به قیمت عوامل

$$\Rightarrow 900 - 50 = 850$$

ج) تولید داخلی داخلی به قیمت بازار هزینه است؟

تولید داخلی داخلی به قیمت عوامل + باالان غیر مستقیم = تولید داخلی داخلی به قیمت بازار

$$\Rightarrow 850 + 70 = 920$$